



### مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۶۹۴

باز آمدم خرامان تا پیش تو بمیرم  
ای بارها خریده از غصه و زحیرم<sup>(۱)</sup>

من چون زمین خشکم، لطف تو ابر و مُشکم  
جز رعد تو نخواهم، جز جَعَدِ تو نگیرم

خوشر اسیری تو صد بار از امیری  
خاصه دمی که گویی: ای خسته دل اسیرم

خاکی به تو رسیده، به از زری رمیده  
خاصه دمی که گویی: ای بی‌نوا فقیرم

از ماجرا گذر کن، گو عقل ماجرا را  
چنگ است ورد و ذکر، باده‌ست شیخ و پیرم

ای جانِ جانِ مستان، ای گنجِ تنگِ دستان  
در جنّتِ جمالت من غرقِ شهد و شیرم

من رستخیز دیدم، وز خویش نابدیدم<sup>(۲)</sup>  
گر چون کمان خمیدم، پرتده همچو تیرم

خاکی بدم ز بادت، بالا گرفت خاکم  
بی‌تو کجا روم؟ ای از تو ناگزیرم

ای نور دیده و دین، گفتمی به عقل: بنشین  
ای پرده‌ها دریده، کی می هلی ستیرم<sup>(۳)</sup>؟

من بنده الستم، آن تو بوده استم  
آن خیره گش فراق، می راند خیرخیرم<sup>(۴)</sup>

کی خندد این درختم بی‌نوبهارِ رویت؟  
کی دررسد<sup>(۵)</sup> فطیرم<sup>(۶)</sup> تا نسرشی<sup>(۷)</sup> خمیرم؟

تا خوانِ تو بدیدم، آزاد از تیریدم<sup>(۸)</sup>  
تا خویشِ تو بدیدم، از خویشِ خود نفیرم<sup>(۹)</sup>

از من گذر چو کردی، از عقل و جان گذشتم  
در من اثر چو کردی بر گنبدِ اَثیرم<sup>(۱۱)</sup>

در قَعده‌ام<sup>(۱۲)</sup> سلامی، ای جان گزینِ من کن  
تا بی‌سلام نبود این قَعده اخیرم

من کف چرا نکوبم<sup>(۱۳)</sup>، چون در کف است خوبم؟  
من پا چرا نکوبم، چون بم شده‌ست زیرم؟

تبریز شمسِ دین را از ما رسان تو خدمت<sup>(۱۴)</sup>  
خدمت به مشرقی به کز روش مُسْتَنیرم<sup>(۱۵)</sup>

### مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۸۸

تفرقه در روح حیوانی بود  
نفس واحد، روح انسانی بود

چونکه حق رَشَّ عَلَیْهِمْ نُورَه  
مُفْتَرَقِ هَرگَز نگرَدَد نور او

چون که حق تعالی، نور خویش را بر این جان‌ها افشاند نور آن خدا هرگز پراکنده نمی‌گردد.

### عطار، مختار نامه، باب پانزدهم، شماره ۱۰

کی باشد و کی که من مانم و او  
وین قصّه که کس نخواند من خوانم و او

آن روز که جانِ من برآید از تن  
او داند و من دانم و من دانم و او

### خیام، رباعیات

ای رفته به چوگان قضا همچون گو  
چپ می خور و راست می رو و هیچ مگو

کانکس که تو را فکنده اندر تک و پو  
او داند و او داند و او داند و او

### مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۱۴۶

بر کنارِ بامی ای مست مدام  
پست بنشین<sup>(۱۶)</sup> یا فرود آ، وَالسَّلَام<sup>(۱۷)</sup>

هر زمانی که شدی تو کامران  
آن دم خوش را کنار بام دان

بر زمانِ خوش هراسان باش تو  
همچو گنجش خُفیه<sup>(۱۸)</sup> کن، نه فاش تو

تا نیاید بر وِلا<sup>(۱۹)</sup> ناگه بلا  
ترس ترسان رو در آن مَکَمَن<sup>(۲۰)</sup> هَلا<sup>(۲۱)</sup>

### مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۱۵۲

هر نِکالی<sup>(۲۲)</sup> ناگهان کان آمده ست  
بر کنار کُنْگَرَه شادی بُده ست

جز کنار بام، خود نَبُودِ سَقُوط  
إِعْتِبَار<sup>(۲۳)</sup> از قوم نوح و قوم لوط

### مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۸۳۹

بی آن خمیرمایه گر تو خمیر تن را  
صد سال گرم داری نانِش فَطیرِ باشد

### مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۴۶۶

پیش چوگانهای حکم کُنْ فَکَان  
می‌دویم اندر مکان و لامکان

### مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۸۱۷

مرد غرقه گشته جانی می‌کند  
دست را در هر گیاهی می‌زند

تا کدامش دست گیرد در خطر  
دست و پای می‌زند از بیم سَر

دوست دارد یار، این آشفستگی  
کوشش بیهوده به از خفتگی

آنکه او شاه است، او بی کار نیست  
نال، از وی طرفه<sup>(۳۳)</sup>، کو بیمار نیست

بهر این فرمود رحمان ای پسر:  
كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ \* ای پسر

ای پسر معنوی، برای همین است که حضرت رحمان فرمود: او در هر روز به کاری است.

اندرین ره، می تراش و می خراش  
تا دم آخر، دمی فارغ مباش

تا دم آخر، دمی آخر بُد  
که عنایت با تو صاحب سیر بُد \*\*

هر چه کوشد جان که در مرد و زن است  
گوش و چشم شاه جان، بر روزن است \*\*\*

\* قرآن کریم، سوره الرَّحْمَن (۵۵)، آیه ۲۹

... كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

خدا هر آن به کاری است.

\*\* قرآن کریم، سوره حجر (۱۵)، آیه ۹۹

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

و پروردگارت را عبادت کن تا مرگ تو در رسد.

\*\*\* قرآن کریم، سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵

....أَنْتَ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ....

...همانا من عمل هیچ عمل کننده ای را، چه مرد و چه زن، ضایع نمی کنم...

### مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۰۷۰

و آن عدم کز مرده مرده‌تر بود  
وقت ایجادش، عدم مُضطرّ<sup>(۳۵)</sup> بود

کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنِ بَخْوَانِ  
مر ورا بی کار و بی‌فعلی مدان

«خدا هر آن به کاری است» را بخوان. و هرگز او را بی کار مینگار.

### مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۷۰۴

هر مرض دارد دوا، می‌دان یقین  
چون دوايِ رنجِ سرما، پوستین

چون خدا خواهد که مردی بفسرد  
سردی از صد پوستین هم بگذرد

در وجودش لرزه‌ای بنهد، که آن  
نه به جامه به شود، نه از آشیان

چون قضا آید، طیب ابله شود  
و آن دوا در نفع هم گمره شود

کی شود محجوب، ادراک بصیر؟  
زین سبب هایِ حجابِ گولگیر<sup>(۳۶)</sup>

اصل بیند دیده، چون اکمل<sup>(۳۷)</sup> بود  
فرع بیند، چونکه مرد احوال<sup>(۳۸)</sup> بود

### مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۳۲

چون قضا آید، شود دانش به خواب  
مه سیه گردد، بگیرد آفتاب

از قضا این تعبیه<sup>(۳۹)</sup> کی نادر است؟  
از قضا دان، کو قضا را مُنکر است

## مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۵۷

ای خُنک آن کو نکوکاری گرفت  
زور را بگذاشت، او زاری گرفت

گر قضا پوشد سیه، همچون شَبَت  
هم قضا دستت بگیرد عاقبت

گر قضا صد بار، قصد جان کند  
هم قضا جانت دهد، درمان کند

این قضا صد بار اگر راحت زند  
بر فراز چرخ، خرگاهت (۳۰) زند

از کرم دان اینکه می‌ترساندت  
تا به مُلکِ ایمنی بنشاندت

- (۱) زَحیر: بیچش، رنج، بیماری  
(۲) جَعَد: موی پیچیده و نابدار  
(۳) نَابَید: غایب، ناپیدا، نامرئی  
(۴) سَتیر: پوشیده، مستور  
(۵) خیرخیر: بیهوده، به بیهودگی  
(۶) در رسیدن: ور آمدن، ور رسیدن خمیر  
(۷) قَطیر: نانی که خمیر آن ور نیامده باشد  
(۸) سرشتن: خمیر کردن، آغشته کردن  
(۹) تَرید: آنگوشت که نان در آن خرد کنند  
(۱۰) نَفیر: گریزنده، نفرت کننده، ناله و زاری و فریاد  
(۱۱) کَنبِ اَثیر: آسمان، کره آتش که بالای هواس است  
(۱۲) قَعده: نشستن در نماز، توقف هویت گرفتن از حرکت فکر  
(۱۳) کف کوبیدن: دست زدن  
(۱۴) خدمت رساندن: سلام و احترام ابرام کردن  
(۱۵) مُسْتَبیر: نور گیرنده، نور جوینده  
(۱۶) پست بنشین: آسوده بنشین، راحت بنشین، عقب تر بنشین  
(۱۷) وَالسَّلَام: سلام بر تو باد  
(۱۸) خَفیه: پنهان، نهفته  
(۱۹) وَلَا: دوستی  
(۲۰) مَكْن: کمینگاه، نهانگاه، منظور نهانخانه دل و احوال قلبی است که از دیگران مستور است.  
(۲۱) هَلَا: کلمه تنبیه، آگاه باش  
(۲۲) نَکال: مجازات سخت  
(۲۳) اِعْتِبَار: عبرت گرفتن  
(۲۴) طَرْفه: شگفتی آور، عجیب  
(۲۵) مُضْطَر: بیچاره  
(۲۶) کولگیر: ابله شناس، شکار کننده آدم های احمق  
(۲۷) اَکَمَل: کامل تر  
(۲۸) اَحْوَل: لوچ، کج چشم  
(۲۹) تَعْبیه: آراستن لشکر، مقدمه سازی، فراهم آوردن  
(۳۰) خرگاه: خیمه بزرگ، سراپرده